کثرت نفسی و کثرت اضافی

خب در مانحن فیه به چه صورت است. من چند مثال عرض میکنم. دیروز هم آقا به من برگهای دادند. دو نکته خوبی هم فرمودند. ببینید در این کثیر نفسی و اضافی میتوانید مثالهایی پیدا کنید که مباحث اصول عملیه، امارات و اشتباهات آنها را سامان‌دهی کنید. سامان‌دهیای که ببینید چقدر دقیق است، اینکه شارع یک چیزی را حجت قرار بدهد یا ندهد، یا ببیند موضوع چیست، خیلی از امور باشد که ما از خیلی از آنها سر در نیاوریم. اما از خیلی از آنها هم با ارشاد او بفهمیم.

33:54

یک مثال عرض کنم؛ میگویند دو جاده هست که در هر کدام یک پیچ موجود است. در هر سالی در یکی از آنها صد نفر کشته میدهند و در دیگری ده نفر کشته میدهند. این مثال خیلی روشنی است. سنجش دو خطا است. دو جاده است که در هر دو پیچی هست، در این جاده الف هر ساله صد نفر کشته میشوند، در جاده دوم، این پیچ ده کشته میدهد. کدام یکی از این پیچ ها بیشتر خطرساز است؟ به هر کسی بگویید سریع میگوید آن چه که در سال صد کشته میدهد.

الآن ببینید من تنها دو خطا را سنجیدم. هیچچیز دیگری را در نظر نگرفتم. سریعاً هم همه میگویند معلوم است که آن صد کشته داده است. اما اگر بگوییم در جاده الف که صد کشته میدهد پانصد میلیون تردد دارد، جاده دوم که ده کشته داده در مجموع سال پنجاه تردد دارد. خب حالا کدام یکی از آنها بیشتر خطرساز است؟

شاگرد: دومی دیگر جاده نیست.

استاد: جاده‌های کوهستانی به این صورت است. تردد کم است اما پیچ طوری است که خطرسازی آن بالا است. حالا برگردید. شما به پارامتر تعداد تردد هم توجه کردید. همینطور نگو که این جاده صد کشته میدهد. به این کثیر نفسی میگوییم. در کثیر نفسی، صد کشته خیلی زیاد است؛ خطاها را با هم میسنجیم. اما کثیر اضافی به این صورت است که آن صد کشته نسبت به تردد پانصد میلیون چیزی نیست. اما این ده تا نسبت به آن پنجاه تردد خیلی است. این کثیر اضافی است. ولی با اینکه کثیر نفسی بود اما قلیل اضافی است. نسبت به آن چیزی نیست.

شاگرد: در کثیر نفسی حتی معدود هم حساب نمیشود؟ مثلاً بگویند صد دانه شکر. یعنی معلوم نیست که خیلی فی نفسه باشد.

استاد: مباحثهای بود در مورد آیاتی که راجع به علم غیب است. مفتی سلفی گفته بود هر کسی بگوید پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله علم غیب دارند، کافر است. فتوای او در سایتش[1] موجود است. چرا؟ میگوید «لقوله تعالی " قُلْ لا يَعْلَمُ مَنْ في السَّمواتِ وَالأَرْضِ الْغَيْبَ إلا اللّه[2]

». این آیه دیگر کار را تمام کرد. در سایت او ببینید. پس هر کسی هم بگوید حضرت میدانند خلاف نص قرآن حرف زده است. خب حصر، نص هست یا نیست؟ شما بالاتر از نص دارید؟! نفی و الّا است. یعنی حتی اگر «انّما» هووار در حصر داشت، نفی و الّا هووارش در حصر، اقوی است. ما در آن مباحثه بررسی کردیم که اصلاً میتوانیم حصر حقیقی پیدا کنیم یا نه؟ این خودش بحث جالبی است.

در اینجا کثیر نفسی میتوانیم پیدا کنیم یا نه؟ یا خالصه، یک اضافهای در کارش باید باشد؟ باید به آن برسیم. ولی فعلاً در اینکه دو عدد را در کثرت با هم بسنجیم و خود آن را در نظر بگیریم میتوان گفت که یک کثیر نفسی داریم.

برگردیم به مثال؛ گفتیم در آن جاده تردد بالا است؛ اما اگر ترددها همه بالا باشد و بگوییم کشته پیچ جاده اول صد تا است و کشتههای جاده دوم پنجاه تا است. دو جادهای هستند که تردد بالایی دارند دو پیچ دارند که یکی از آنها صد کشته میدهد و دیگری پنجاه کشته میدهد. خب کدام یک از این پیچ ها در این دو جاده خطرناکتر است؟ در اینجا میگویید ترددها که برابر است، پس جادهای که صد کشته دارد خطرناکتر است.

خب حالا به همین مثال چیزی را اضافه کنید. بگویید جاده اول که صد کشته میدهد در طول سال صد کشته میدهد اما جاده دوم که پنجاه کشته میدهد فقط در ماه دی پنجاه کشته میدهد. یعنی در فصل زمستان برای ماشینهایی که از اینجا در میشوند این خطرها پیش میآید. الآن شما میگویید که آن پیچ خطرناکتر است یا این؟ میتوانید سریع بگویید؟ یعنی ما در خطرناکی چیزی را ملاحظه کردیم که این پیچ دوم به مراتب از اولی خطرناکتر است. اما در چه زمانی؟ در زمستان. یعنی شما با ملاحظه زمان و دخالت دادن پارامتر فصل و زمان خاص، میتوانید قضاوت کنید که این دومی از دیگری خطرناکتر است. چون در زمستان از دیگری بهراحتی در میشوند. در این بازه زمانی زمستان اولی کشته کم دارد، و در کل سال صد کشته دارد. اما دومی در این بازه کوتاه پنجاه کشته میدهد.

---

[1] مجموع فتاوی ابن باز، ج ۸ ص ۲۳

[2] النمل ۶۵

بازبینی #1
ایجاد شده 11 مه 2026 13:38:05 توسط ... .
به روزرسانی شده 11 مه 2026 13:38:57 توسط ... .